

لقمان و مبارزه با شرک

واذ قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بني لا تشرك بالله
ان الشرك لظلم عظيم ،

: بیاد آر زمانی را که لقمان به فرزند خود اندرز داد و
گفت : فرزندم ! برای خداوندشریکه قرارمده زیرا شرک ستمی
بزرگ است

..... یکتا پرستی (توحید) روشنترین مسأله ایست که هر انسانی بمقتضای ندای
فطرت ناچار است بآن معتقد شود ، و در برابر آن پاسخ مثبت بگوید .
یکتا پرستی ، اساس و ریشه تمام ادیان آسمانی است و دعوت تمام پیامبران روی این
اساس بود ، و غرض اصلی تحکیم این عقیده در میان ملتها است ، و هر طریقه ای که از آن
بوی شرک بیاید ، بطور قطع و مسلم یک روش ساخته و باهدف پیامبران الهی مباین است
واقعیت یکتا پرستی را دو عقیده تشکیل میدهد یعنی اعتقاد باینکه این جهان سازنده و
صانعی دارد ، و آن سازنده و پدید آورنده یکی است بنابراین مرد موحد باید بهر دو مطلب
معتقد باشد .

مطلب اول بتدری روشن و واضح است که پیامبران الهی روی آن فشار نیاورده و فشار
دعوت آنها روی قسمت دوم بوده است . یعنی اعتقاد باینکه صانع یکی است دو تا یا بیشتر نیست

اعتقاد بصانع يك امر فطریست

شما در تاریخ پرغوغای بشریت، دورانی را پیدا نمیکنید که بشر نسبت به اصل
وجود صانع مردد بوده باشد همواره این عقیده در قلوب آنها راسخ و پای برجا بوده است،
گو اینکه در تشخیص خدای واقعی دچار اشتباه میشده ، و خدایان مجازی و ساخته خود را
بجای خدای واقعی می پنداشت ولی با اینهمه اختلافات اصل اعتقاد بخدا و صانع اعم

از يك يا بیشتر ، با تشخیص درست و یا باطل همواره محفوظ بود .
 مدرک بشر اولی برای چنین اصل مسلم ، فطرت او بوده ، فطرتی که در مواقع
 هیجانات و اضطرابات بیشتر قدرت نمائی میکند ؛ او هنگامی که فاصله مرگ و زندگی
 را کمتر میدید و در لب پرتگاه قرار میگرفت و تمام اسباب طبیعی از کار میافتاد ، پرده‌ها و
 حجابهای مادیگری از برابر دیدگان او عقب میرفت ، فطرت بایک کشمکش پر قدرتی او را
 متوجه عالم بالا ، عالمی که از شرایط زمان و مکان بیرون است ؛ و تمام جهان در کف قدرت
 او است . میساخت از آنجا که این اعتقاد ؛ از فطرت انسانی سرچشمه میگردد و یا سرشت
 آدمی آمیخته است ، امروز هم بشر مغرور مادی ، در گرفتاریها و شدائد و مصائب بان نقطه
 پناه میبرد .

بشر در طول تاریخ در تحکیم این عقیده نه تنها بفطرت اتکاء داشته ، بلکه از اصل مسلم
 علیت و معلولیت بفرآخور حال خود بهره مند و برخوردار میشد .

او میدید و بادیده خود درک میکرد که هر حادثه ای در جهان هستی از نقطه ای سرچشمه
 میگردد ، که با اصطلاح علمی بان علت میگویند و هر گزارتفاق نیافتاده که چیزی خود بخود
 سر از عدم بردارد ، بی علت پدید آید .

این مسأله (هر حادثه ای علتی میخواهد) مانند سائر مسائل فطری ، با سرشت انسانی
 آمیخته گردیده است ، کودک در نخستین روزهای زندگی هر موقع صدائی را بشنود ، بی-
 اختیار متوجه سمتی میشود که صدا از آن طرف آمد ؛ و اگر توانائی سخن گفتن داشته باشد ،
 فوراً از مادر و نزدیکان خود از علت حادثه سراغ میگردد .

در طول تاریخ روی این دو اساس محکم یعنی فطرت و قانون علیت کاخ رفیع و محکم
 خداپرستی استوار شده است ، و تا ابد این کاخ استوار و خلل ناپذیر است .

علل پیدایش بت پرستی

شرک بمعنی غیر خدا را خدا پنداشتن ، جهتی جز آمیختگی فطرت با جهل و نادانی
 ندارد ، یعنی از یک طرف فطرت و دلائل اثبات صانع انسان راهبری میکند که جهان را
 صانع هست ، نظام شکست انگیز عالم هستی بی پدید آورنده امکان ندارد ، از طرف دیگر
 بر اثر جهل و نادانی ؛ و نبودن معلومات صحیح ؛ و دور بودن از محیط تبلیغی پیامبران الهی ؛
 چون خدای واقعی را از خدا نمایان درست تشخیص نمیدهد ؛ بی اختیار مجازها را بمقام
 حقیقت گذارده ؛ بتهای بی جان و بی روح و یا اجرام شفاف و درخشان آسمانی را ،

خدا می‌بندارد .

اگر مشعلهای فروزان علم و دانش ، و بر نامه‌های صحیح انبیاء این فطرت را راهنمایی کنند ؛ ریشه بت‌پرستی از صفحه گیتی برداشته میشود .

شرک یعنی چه ؟

هر گاه کسی غیر خدا را خدا پندارد ؛ و یا موجودی را از ممکنات ؛ بعنوان خدائی پرستش کند ، و یا او را مؤثر مستقل در انجام کاری بداند که نیازی بخداوند نداشته باشد ، چنین شخص مشرک است ، گروه و هائیه در تشخیص شرک از غیر شرک دچار اشتباه عجیبی شده اند و تصور کرده اند که بوسیدن ضریح و خواندن زیارت ، و تعمیر قبور ؛ و درخواست حاجت در کنار قبور اولیاء شرک است .

گویا حقیقت شرک در اختیار آقا یا نست که هر طوری بخواهند تفسیر نمایند در صورتی که شرک حد و اندازه ای دارد . مشرک در اسلام و تمام ادیان کسی است که مخلوقی را خدا بداند و یا مخلوقی را بجای خداوند بپرستد و یا کار خدائی را از مخلوق بخواهد یعنی او را مستقل در تأثیر و انجام امور بداند .

بنا بر این - بوسیدن ضریح بعنوان برگزاری احترام از کسی که آنجا دفن شده ، و یا خواندن زیارت و گفتن جمله هائی که حاکی از مقام بلند او باشد ، و یا تمبر نقطه ای که بدن پاک مردان جا نیاز الهی در آنجا بخاک سپرده شده است ، و خواستن حاجت در کنار قبر مردان پاک که نزد خداوند شفاعت کنند کوچکترین ارتباطی بشرک ندارد ، یعنی از نظر شرک نمیتوان اینها را از مصادیق آن دانست ، حالا از جنبه های دیگر قاطعاً بحث است ، باشد ، ولی ربطی بمسأله شرک ندارد زیرا مشرک چنانکه بطور اجمال گفته شد ؛ کسی است که بیکی از سه مطلب فوق ملنزم گردد و کسی از مسلمانان نه یکی از پیشوایان دینی را خدا میداند ، و نه کسی آنها را بعنوان خدای جهان پرستش میکند ، و نه برای آنها استقلال در امور و انجام کاری میداند ؛ همگی به احتیاج و نیازمندی آنها در تمام شؤن زندگی معترفند .

پرونده عمل از پرونده نیت جدا است

یکی از بحثهای جالب «توحید» همین بحث فوق است زیرا یکی از شعب بحث شرک ؛ شرک در عبادت است ؛ که غیر خدا را ؛ شرک در عمل قرار دهد ؛ و یا تمام عمل را از روی ریاء برای غیر خدا انجام دهد .

بنا بر این در اسلام دو پرونده است ، یکی پرونده عمل و دیگری پرونده نیت ؛ و حساب

هر کدام جدا است .

فرض کنید ، مرد ثروتمندی دست ساختن بیمارستانی زد ؛ بالنتیجه يك بیمارستان مجهز چندصد تختخوابی را باتمام دستگاهائی که يك بیمارستان مجهز بان نیازمند است ، تاسیس کرد در موقع افتتاح سیل خبرنگار و عکاس ، میریزد و از نقاط حساس آن عکس برداری کرده و با آب و تاب با ذکر فضائل مؤسس چاپ میکنند ، دائره انتشارات و سائردستگاههای تبلیغاتی شروع به تعریف و تمجید از او مینمایند ، دیگر نمپرسند نیت او از این عمل چه بوده ؟ برای چه دست ساختن چنین بیمارستانی زده است ؛ بلکه بظاهر سازی اکتفاء مینمایند .

ولی اسلام میگوید : پرونده نیت او را بیاورید تا درست بررسی شود ؛ سپس درباره عمل او قضاوت صحیح بعمل آید .

آیا او این بیمارستان را برای جاب رضای خدا ساخته است ؛ آیا عواطف بشری محرك و انگیزه او بوده و جز معنویات محرك دیگری نداشته است و یا اینکه او این بیمارستان را تاسیس کرده تا در میان مردم بخوبی و نیکی معروف گردد ، تا در موقع انتخابات رأی بیشتر بیاورد ؟

هر گاه پرونده نیت او نشان داد ، که او این مؤسسه را بمنظور انتفاع مادی و کسب مقام و شهرت نساخته است ، در این صورت عمل او ارزش دارد ، والا این ظاهر سازی فریبنده در درگاه خدا و از نظر مکتب اسلام ارزش ندارد . زیرا انما الأعمال بالنیات ارزش عمل بسته به نیت است .

قرآن میگوید : عمل ریاکاران مانند آن بذری است که بر سنگ خاراکه مقداری خاک روی آن باشد افشانده شده باشد ، سپس رگباری بآن برسد و خاکه و بذر را بشوید و تنها سنگ بجا بماند اینک متن آیه : کالذی ینفق مالہ رئاء الناس و .. فمثله کمثل صفوان علیہ تراب فاصابه و ابل فترکه صلداً لایقدرون علی شیء مما کسبوا (بقره - ۲۶۴)

شرکت بصورت های دیگر

امروز در جوامع بشری بر اثر بالا رفتن سطح افکار شرك بمعنای بت پرستی و بکاهش است ، بشر امروز ناچار است یاراه توحید برود و یا ماد دیگری ، دیگر سوم ندارد .

ولی جای آن شرك کهن را چیز دیگری گرفته است ، و آن هوا پرستی است ، که در حقیقت يك شرك مخفی و غیر معروف است ؛ ولی قرآن در باره این افراد چنین

میفرماید: **ارایت من اتخذ الله هواه** (فرقان - ۴۳) یعنی از مردم کسانی هستند که بت آنها هوی و هوس است زیرا مقام، پول، جاه، و شهرت را آنچنان میخواهند که بسر حد معبود میسرانند.

بلکه میتوان این دسترا در جرگه مشرکان واقعی قرار داد، زیرا آنان بقدری به مقام و هوی علاقه دارند، که تصور میکنند که پول و قدرت ظاهری همه کاره است، و اگر این وسائل مادی ازدست آنها گرفته شود، دوران بیچارگی آنها آغاز میگردد و این عوامل آنها را از همه چیز بی نیاز میسازد.

و مقام، قدرت، ثروت و پول بسان يك معبود میپرستند و حیات و زندگی را در گرو آنها میدانند.

يك چنین افراد تمام فضائل اخلاقی را فدای بتهایی بنامهای قدرت، شهرت، جاه مال و... مینمایند؛ و همه اصول را فدای آنها میسازند جنگهای بین المللی اول و دوم، لثی جز هوی پرستی يك مشت توسعه طلبان نداشت که بر اثر جاه طلبی آنها میلیونها نفوس از بین رفت.

و يك چنین افراد بتمام معنی از مقام انسانیت سقوط میکنند، سقوطی که از انسانیت اثری باقی نمیماند.

شاید آیه زیر اشاره بمطلب فوق باشد. **ومن یشرك بالله فکانما خر من السماء فتخطفه الطیر او تهوی به الريح فی مکان سهیق** (حج آیه ۳۱) یعنی کسیکه جز خدا را میپرستد (خواه بت باشد یا نفس و مقام) مانند اینست که از آسمان سقوط کند و در فضا بدن او طعمه پرندگان شکاری گردد؛ و یا طوفانی او را بقمر دره ای عمیق پرتاب کند.

آیا با این وضع جان ندارد، که لتمان شرك راستم بزرگ بشمارد، که مبدء بسیاری از مفاسد است چنانکه فرموده: **ان الشرك لظلم عظیم**.

با اینکه جاداشت مادر باره منافع توحید و مضرات اجتماعی شرك بحث کنیم ولی امیدواریم در آینده به برخی از مناسبات حق این مطلب کا ادانمائیم.